



Sultan Owais Jalairi's reforms in the Field of Agriculture and Improving the Condition of Villagers

Fatemeh Yousefvand¹, Sahmeddin Khazaei^{2*}, Mohsen Rahmati³

¹-Phd student of the Department of History, Lorestan University, Khorramabad. Iran.
fatemehu_1364@yahoo.com

^{2*}- Assistant Professor of Lorestan University, History Department, Khorramabad, Iran.
khazaei.s@lu.ac.ir

³- Professor of History Department, Lorestan University, Khorramabad, Iran.
rahmati.mo@lu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The conflicts between the claimants of the local governments after the death of Abu Saeed Ilkhani and during the interregnum between the Ilkhans and the Timurids greatly affected the quality of life of the farmers and they lived in hardship and suffering. In the meantime, some local rulers who managed to rule over a territory and establish stability there, thought about the farmers of their territory and took measures for their well-being. Sultan Owais Jalayeri, the most famous ruler of the Jalayerid dynasty, who came to power after a series of conflicts in the regions of Azerbaijan, Arab Iraq and Ajam Iraq and was able to establish stability and peace in the territory under his command, was one of these rulers. He made many efforts to repair the ruins and improve the condition of agriculture and farmers. In the present study, an attempt will be made to analyze the reform measures of Sultan Awais Jalayri in the field of agriculture and improving the condition of the villagers by using the descriptive-analytical method and relying on first-hand sources and researches. The results of the research show that Sultan Owais, with the measures he took in the field of agriculture, such as removing tax abuses, amending property laws, returning fugitive farmers to their properties, prohibiting agents from trespassing on farmers and punishing the wrongdoers, as well as carrying out supportive and encouraging measures For the farmers, he improved the condition of agriculture and the villagers of the region under his command, and for a short period of time, he benefited from the stability, prosperity and prosperity of the territory of the Jalarians.
Received: 30/10/2023	
Accepted: 11/11/2023	
	Keywords: Jalayrieds, Sultan Owais Jalayeri, Reforms, Villagers, Agriculture.

Cite this article: Yousefvand, Fatemeh; Khazaei, Sahmeddin; Rahmati, Mohsen, (2023), "Sultan Owais Jalairi's reforms in the Field of Agriculture and Improving the Condition of Villagers", The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam, Vol. 1, No.1, autumn 2023: pages:1-15.

DOI: 10.30479/hvri.2023.19144.1014

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Sahmeddin Khazaei

Address: Assistant Professor of Lorestan University, History Department, Khorramabad, Iran.

E-mail: khazaei.s@lu.ac.ir



فصلنامه تاریخ روستا و روستائینی در ایران و اسلام

شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰-۶۰۱۲

سال اول، دوره جدید، شماره دوم، پاییز ۱۴۰۲



اصلاحات سلطان اویس جلایری در زمینه کشاورزی و بهبود وضعیت روستاییان

فاطمه یوسفوند^۱، سهم‌الدین خزائی^{۲*}، محسن رحمتی^۳

^۱ دانش‌آموخته دکتری تاریخ دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. fatemehu_1364@yahoo.com

^{۲*} استادیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. khazaei.s@lu.ac.ir

^۳ استاد گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. rahmati.mo@lu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	منازعات میان مدعیان حکومت‌های محلی پس از مرگ ابوسعید ایلخانی و در دوران فترت میان ایلخانان و تیموریان به شدت بر کیفیت زندگی کشاورزان تأثیر گذاشت و باعث زندگی توأم با سختی و رنج برای آنان شد. در این میان برخی از حکام محلی که موفق می‌شدند بر قلمرویی حاکم شوند و در آنجا ثبات برقرار کنند، به فکر کشاورزان قلمرو خود بوده و برای رفاه حال آن‌ها اقداماتی را انجام می‌دادند. سلطان اویس جلایری، معروف‌ترین حاکم سلسله جلایریان که پس از یک سلسله منازعات در نواحی آذربایجان، عراق عرب و عراق عجم به حکومت رسید و توانست ثبات و آرامش را در قلمرو تحت فرمان خود برقرار کند، یکی از این حکام بود. وی تلاش‌های زیادی برای ترمیم ویرانی‌ها و بهبود وضعیت کشاورزی و کشاورزان انجام داد. در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد تا با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع دست اول و پژوهش‌ها، اقدامات اصلاحی سلطان اویس جلایری در زمینه کشاورزی و بهبود وضعیت روستاییان بررسی شود. دستاوردهای پژوهش بیان‌گر آن است که سلطان اویس با اقداماتی که در زمینه کشاورزی انجام داد، از جمله: رفع اجحاف مالیاتی، اصلاح قوانین مالکیت، بازگرداندن کشاورزان فراری بر سر املاک خود، منع تعدی کارگزاران به حقوق کشاورزان و مجازات خاطیان و همچنین انجام اقدامات حمایتی و تشویقی برای کشاورزان، باعث بهبود وضعیت کشاورزی و روستاییان منطقه تحت فرمان خود شده و برای مدت کوتاهی قلمرو جلایریان را از ثبات، رفاه و رونق بهره‌مند ساخت.
دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸	
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۶	
	واژگان کلیدی: جلایریان، سلطان اویس جلایری، اصلاحات، روستاییان، کشاورزی.

استناد: یوسفوند، فاطمه؛ خزائی، سهم‌الدین؛ رحمتی، محسن، (۱۴۰۲)، «اصلاحات سلطان اویس جلایری در زمینه کشاورزی و بهبود

وضعیت روستاییان»، فصلنامه تاریخ روستا و روستائینی در ایران و اسلام، سال اول، شماره ۲، ص: ۱۵-۱.



DOI: 10.30479/hvri.2023.19144.1014

حقوق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

پس از مرگ ابوسعید ایلخانی قدرت مرکزی ایلخانان از هم پاشید و حکومت ایلخانی رو به انحطاط گذاشت. شاهزادگان ایلخانی که هیچ‌یک قدرتی نداشتند، بازیچه دست امرایی شدند که در هر گوشه و کناری، حکومت را در دست گرفته بودند و هر یک برای پیشرفت مقاصد خود این شاهزادگان را جلو فرستاده و به جان یکدیگر می‌انداختند. امیر شیخ حسن جلایری نیز که در آغاز کار فرمانروای منطقه روم بود، اریاگان (آریاخان) جانشین ابوسعید را با خود موافق ساخت و به نیابت از سوی او حکومت شمال‌غربی و غرب ایران را در دست گرفت. پس از کشته شدن آریاخان، شیخ حسن یکی دیگر از شاهزادگان ایلخانی به نام محمد را به پادشاهی برگزید و در سال ۷۳۶ هـ ق در تبریز او را رسماً به تخت نشاند. در جنگی که میان امیر شیخ حسن چوپانی و امیر شیخ حسن جلایری رخ داد، محمد کشته شد و تبریز به دست چوپانیان افتاد و شیخ حسن جلایری به بغداد رفت و در سال ۷۴۰ هـ ق رسماً سلسله جلایریان را در بغداد تأسیس کرد (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۳۰۵ - ۳۱۱). امیر شیخ حسن و جانشینان او، یعنی سلسله جلایریان تا سال ۸۳۵ هـ ق بر عراق عرب، عراق عجم و آذربایجان فرمانروایی کردند. سلطان اویس، یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین سلاطین جلایری بود که از بغداد خروج کرد و ضمن تفوق بر مدعیان قدرت برای مدتی حکومت آذربایجان و عراق عجم (زنجان و سلطانیه) را به دست گرفت. او پس از تصدی حکومت این مناطق تلاش بسیاری کرد تا ضمن تداوم اصلاحات و اقدامات زمان غازان‌خان، وضعیت کشاورزان و روستاییان را بهبود بخشد. تا کنون پژوهش مستقلی در زمینه اصلاحات و اقدامات سلطان اویس جلایری در ارتباط با کشاورزان و روستاییان انجام نشده و تنها درباره تاریخ آل جلایر پژوهش‌هایی صورت گرفته است که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره کرد. شیرین بیانی (۱۳۷۲) در کتاب *تاریخ آل جلایر*، به بررسی تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آل جلایر پرداخته، اما به مسائل کلی تاریخ جلایریان اکتفا کرده و فقط در چند سطر به مالیات کشاورزان در این دوره اشاره کرده است. رجب‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله «جلایریان»، تنها به تاریخ سیاسی آل جلایر پرداخته و در ضمن مباحث خود به مسائل فرهنگی سلاطین آل جلایر نیز اشاراتی دارد. اکرم ارجح و منیژه ربیعی (۱۳۸۵) نیز در مقاله «جلایریان»، به بررسی تاریخ و اوضاع اجتماعی، اقتصادی، هنر و معماری آل جلایر پرداخته‌اند، اما تنها در چند سطر به بیان کلیاتی درباره کشاورزان بسنده کرده‌اند.

پژوهش حاضر می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد که اصلاحات سلطان اویس جلایری چه تأثیری بر بهبود اوضاع روستاییان قلمرو آل جلایر داشت؟ پاسخ به پرسش یادشده بر این فرضیه متکی است که اصلاحات سلطان اویس جلایری توانست اوضاع وخیم روستاییان در دوره فترت را بهبود بخشیده و آن‌ها را به مزارع کشاورزی بازگرداند تا فعالیت‌های خود را از سر بگیرند؛ بنابراین، این پژوهش بر آن است تا اصلاحات سلطان اویس جلایری در راستای بهبود اوضاع کشاورزان و روستاییان را بررسی کند.

۱. سلطنت سلطان اویس جلایری (۷۵۷ - ۷۷۶ هـ ق)

سلطان اویس فرزند دلشادخاتون و شیخ حسن جلایری بود که پس از مرگ پدرش در سال ۷۵۷ هـ ق در بغداد به حکومت رسید (ساوجی، ۱۳۷۱: ۴۲). هم‌زمان با به حکومت رسیدن وی، تبریز توسط جانی‌بیک، خان دشت قبچاق، اشغال شده بود و او حکومت چوپانیان را با قتل ملک اشرف نابود کرد و خود پس از چندی به دشت قبچاق بازگشت، ولی پسر خود بردی‌بیک را در تبریز باقی گذاشت. سلطان اویس در سال ۷۵۹ هـ ق با شکست حاکم تبریز و نایب بردی‌بیک که در این زمان اخی‌جوق نام داشت، تبریز را تصرف کرد (همان: ۴۳؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۷۲: ۵۹ - ۶۵)، اما توان حفظ آن در مقابل حملات مخالفان را نداشت و لذا به بغداد بازگشت (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳ / ۲۴۰). خلأ قدرت در تبریز به سلطان اویس این فرصت را داد که در سال ۷۶۰ هـ ق بار دیگر تبریز را تصرف کند و همه شهرهای آذربایجان، اران و موغان را تحت نفوذ خویش درآورد، چنانکه دامنه قلمرو وی از مشرق تا سلطانیه و دریای خزر را دربرمی‌گرفت (میرخواند، ۱۳۳۹: ۵ / ۵۷۲؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۷۲: ۶۵ - ۷۰) و تبریز مانند پایتخت دوم سلطان اویس بود و او این شهر را بیلاق و بغداد را قشلاق خود ساخته بود (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳ / ۲۴۲). به‌رغم شورش‌های مکرر برخی مدعیان قدرت در نواحی گوناگون قلمرو آل جلایر (میرخواند، ۱۳۳۹: ۵ / ۵۷۴)، سلطان اویس توانست امنیت و ثبات را در قلمرو خود برقرار سازد. مهم‌ترین رقبای او، سلاطین آل مظفر بودند که در نواحی کرمان، یزد و فارس حکومت می‌کردند (نبئی، ۱۳۷۵: ۱۳۶). سلطان اویس در سال ۷۷۶ هـ ق به‌دلیل بیماری سل در ۳۸ سالگی درگذشت (میرخواند، ۱۳۳۹: ۵ / ۵۷۷).

۲. اوضاع قلمرو جلایریان پیش از حکومت سلطان اویس جلایری

فروپاشی ایلخانان در ایران باعث شکل‌گیری قدرت‌های سیاسی مختلفی شد که انگیزه‌های سیاسی و خاستگاه‌های متفاوتی داشتند. یکی از این گروه‌ها، آل چوپان یا چوپانیان بودند که از سال ۷۳۸ تا ۷۵۷ هـ ق در آذربایجان و عراق عجم حکومت می‌کردند. در این دوران این نواحی از شرایط اقتصادی نامطلوبی برخوردار بودند و جلوس چوپانیان بر این نواحی نیز به منازعات سیاسی این بخش پایان نداد و حکومت‌های محلی بارها به این نواحی حمله کرده و برای تأمین هیزم و خوراک مرکب‌هایشان به مزارع کشاورزی و باغات روستاییان حمله می‌کردند و برای مخارج خود به تاراج اموال روستاییان می‌پرداختند (میرخواند، ۱۳۳۹: ۵/۵۴۶). به گفته حافظ ابرو، در نبرد میان شیخ حسن چوپانی و شیخ حسن جلایری در سال ۷۳۸ هـ ق در تبریز، «ایشان هرچه از نهب و غارت و مصادر ممکن بود، مهمل نماندند و در هیچ یمین و یسار نگذاشتند. مردم قری و اماکن و مساکن را وداع کردند و ربع زریشان وحوش و سباع خوردند و اگر مدت‌زمان آن تطاول ماهی بماند، در آن حدود از عمارت و زراعت کاهی نماندی» (حافظ ابرو، ۱۳۴۹: ۲۰۳). طبیعی است که از این رهگذر، روستاییان به شدت آسیب می‌دیدند و به قول نخجوانی، شدت این ویران‌گری‌ها تا آن حد بود که «آن مقدار غلات نمانده که در وجه معاش ایشان را کافی باشد» (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/۲۷۴). علاوه بر این، خود حاکمان چوپانی با اعمال زور از مردم مالیات‌های گزافی می‌گرفتند یا مالیات‌های جدیدی وضع می‌کردند (قطبی اهری، ۱۳۸۸: ۲۲۸). آنان گاهی اوقات کشاورزان را مجبور می‌کردند که در یک سال چند بار مالیات بپردازند (همان: ۲۳۲). طبیعی است که چنین شرایطی برخی از کارگزاران حکومتی و مأموران مالیاتی را نیز به فکر اخذی از کشاورزان می‌انداخت (همان: ۲۳۳). در نتیجه تحمیل مالیات‌های گزاف بر مردم تبریز، «همه جلای وطن کردند. برخی به شروان و دشت قیچاق رفتند و جمعی به روم و شام و بغداد پراکنده شدند» (حافظ ابرو، ۱۳۴۹: ۲۲۷). البته در این زمان بلایای طبیعی مانند بیماری‌های همه‌گیر نیز بر نابه‌سامانی‌های اقتصادی منطقه می‌افزود. در سال ۷۴۷ ق بیماری وبا سراسر تبریز را فراگرفت و شدت این امر چنان بود که بسیاری از اشراف و متمکنان تبریز را ترک و به نقاط دیگر مهاجرت کردند و فقط برخی از افراد کم‌درآمد و روستاییان باقی ماندند که وبا بخش قابل‌توجهی از آن‌ها را از میان برد (خوافی، ۱۳۸۴: ۲/۹۳۶). در کنار بیماری وبا، ملک اشرف چوپانی اقدام به اخذ مالیات‌های گزاف از مردم تبریز کرد و از این طریق مردم تبریز، به‌ویژه کشاورزان به شدت آسیب دیدند. به گفته مورخان، سده هشتم هجری در تبریز سه چیز فراوان بود: وبا، گرانی و ظلم (قطبی

اهری، ۱۳۸۸: ۲۳۲) و به دلیل این ظلم‌ها بسیاری از مردم جلای وطن کردند (نبئی، ۱۳۵۲: ۳۰۶). در چنین فضایی، بسیاری از تأسیسات کشاورزی همچون بندها، قنوات و جوی‌ها آسیب دیده و در پی آن، بخشی از مزارع ویران و به زمین‌های بایر تبدیل شدند (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱۶۲ / ۲ و ۲۹۹). در نتیجه، تیریز خراب و آثار آن خرابی نمایان بود، به طوری که وقتی جانی‌بیک تیریز را تصرف کرد، خطاب به ملک اشرف چنین گفت: «چرا این ملک را خراب کردی؟» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۱۴). در این دوره روستاییان جزء طبقات پایین جامعه بوده و زندگی سختی داشتند. آن‌ها وابسته به زمین و در تملک اربابان نظامی و غیرنظامی خود بودند و هیچ‌گونه اختیاری از خود نداشتند. آنان با زمین خرید و فروش و از دست مالکی به دیگری سپرده می‌شدند. پرداخت همه مالیات‌ها و عوارض بر عهده آن‌ها بود و معاش مأموران دولت و نظامیان را در سراسر قلمرو جلایریان تأمین می‌کردند و در مواقع جنگ بخشی از سپاه را تشکیل می‌دادند (بیانی، ۱۳۸۱: ۱۵۴؛ ربیعی و ارجح، ۱۳۸۵: ذیل مدخل «جلایریان»); بنابراین، حیات کشاورزی پیش از روی کار آمدن جلایریان به شدت آسیب دیده و سلطان اویس جلایری وارث چنین وضعیت نابه‌سامانی بود.

۳. اصلاحات سلطان اویس جلایری در زمینه کشاورزی

هجوم مغولان به ایران همراه با ورود قبایل مختلف ترک و مغول بود که اقتصاد آنان، اقتصاد شبانی و با اقتصاد کشاورزی در تضاد بود و این تضاد معیشتی میان ایلات حاکم مغول با توده یکجانشین ایرانی باعث آسیب و صدمه جدی به اقتصاد کشاورزی و روستایی شد، اما هنگامی که غازان خان (۶۹۴ - ۷۰۳ هـ ق) روی کار آمد، با این استدلال که: «من جانب رعیت تازیک نمی‌دارم. اگر مصلحت است تا همه را غارت کنیم. بر این کار از من قادرتر کسی نیست. به اتفاق بغارتیم، لیکن اگر من بعد تغار و آتش توقع دارید و التماس نمایید، با شما خطاب عنیف کنیم و باید که شما اندیشه کنید که چون بر رعایا زیادتی کنید و گاو و تخم ایشان و غله‌ها بخورانید، من بعد چه خواهید کرد» (همدانی، ۱۳۷۲: ۲ / ۱۰۳۱). او ایلات مغول را برای انجام اصلاحات با خود همراه کرد و تداوم حاکمیت مغول را فقط از طریق حفظ کشاورزی و روستاییان و سپس اخذ مالیات از آن‌ها امکان‌پذیر دانست. غازان خان برای اینکه ایلات مغول از این اصلاحات حمایت همه‌جانبه کنند، تصمیم گرفت تا آن‌ها را به زندگی یکجانشینی سوق دهد و با اعطای اراضی بایر و اقطاعی به لشکریان و امرای مغول توانست مغولان را به استقرار در یک نقطه تشویق کند (همان: ۱۱۰۶). پس از این اقدام است که رشیدالدین فضل‌الله از علاقه لشکریان مغول به زراعت در این اراضی

سخن گفته است (همان: ۱۰۶۹). تلاش‌های غازان‌خان به بار نشست و جمعی از ایلات مغول به زندگی یکجانشینی روی آوردند، به طوری که تا اواخر حکومت ایلخانان تعدادی از این ایلات در نواحی اطراف زنجان و سجاس ساکن شده و به کشاورزی می‌پرداختند (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۶۴ و ۶۶). حتی رشیدالدین فضل‌الله نیز از عامل خراج خوزستان خواست تا صحرانشینان عرب، کرد و لر را در ناحیه هویزه ساکن کند و آن‌ها را به کاشت نخل و سایر درختان مشغول گرداند (همدانی، ۱۳۶۴: ۱۷۵ - ۱۸۳). با توجه به گفته‌های قطبی اهری، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اصلاحات غازان‌خان اثرگذار بوده و جمعی را به سوی زندگی یکجانشینی و ادامه راه غازان سوق داد. حکومت آل جلایر را می‌توان نماینده این گروه در نظر گرفت. در مقابل، گروهی دیگر از مغولان همچنان بر اقتصاد شبانی اصرار داشتند که آل چوپان نماینده این گروه دوم بودند (قطبی اهری، ۱۳۸۸: ۱۸۱ و ۱۸۲). به‌رحال، کشمکش میان این دو گروه باعث انحطاط حکومت ایلخانان شد و پس از آن جدال میان این دو گروه، به مبارزه میان آل جلایر و آل چوپان کشیده شد که در نهایت، جلایریان با شکست دادن چوپانیان توانستند پیروزی مغولان یکجانشین را مسجل کرده و تداوم آبادانی و کشاورزی را تضمین کنند. در آغاز حکومت سلطان اویس برای مدتی تبریز میان او و امیر مبارزالدین محمد مظفری که از فارس لشکر کشیده بود و اخی جوق دست‌به‌دست می‌شد و همین ویرانی‌های بسیاری در این منطقه به بار آورد (رجب‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۱۴). سلطان اویس، یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین سلاطین جلایری بود و در نهایت، پس از سرکوب شورشیان در سال ۷۶۰ هـ ق نواحی شمال‌غربی و غرب ایران را در اختیار گرفت. وی از همان ابتدای سلطنت، میل خاطرش بر آبادانی و رفاه حال رعایا بود و در تلاش بود که از آشوب و فتنه جلوگیری کند تا به رعایا آسیبی نرسد (نطنزی، ۱۳۳۶: ۳/۱۶۵). همین که سلطان اویس توانست با غلبه بر دیگر مدعیان قدرت بر اریکه سلطنت تکیه کند، بخش اعظم آشوب‌ها و فتنه‌ها رفع شد و ثبات جای آن را گرفت. او با این اقدام، به مردم نشان داد که ثبات حکومت فراگیر شده است. در نتیجه، «در اوان حکومت او مجموعه آذربایجان رشک بهشت بود و از اثر فراغتی که داشتند، همه‌کس به کسب کمال کوشیده» (همان: ۱۶۶). وی پس از آن به فکر اصلاح نابه‌سامانی‌ها افتاد و اصلاحاتی در زمینه کشاورزی انجام داد که در واقع، احیای اصلاحات فراموش‌شده غازان‌خان بود.

یکی از عوامل مؤثر بر وضعیت زندگی روستاییان این دوره، مطالبات دیوانی و مالیات‌گیری از مردم بود. اساس درآمدهای دولت بر مالیات‌گیری استوار بود و بخش اعظم مالیات نیز از روستاییان گرفته می‌شد. از آن‌جاکه حکومت جلایریان ادامه‌دهنده حکومت و سنن مغولی بود، بسیاری از مالیات‌ها نیز همان مالیات‌های عهد مغول و ایلخانی بودند که در این دوره نیز ادامه یافتند. مهم‌ترین مالیات‌هایی که از کشاورزان و روستاییان دریافت می‌شدند، مالیات‌های قبچور و خراج بودند که در این دوره به شکلی گرفته می‌شدند که باعث آزار آن‌ها می‌شد. چنانکه حکام هر زمانی که به پول احتیاج داشتند، از کشاورزان خراج سالانه طلب می‌کردند (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲ / ۲۸۳). کشاورزان فقط هنگام برداشت محصولات توان پرداخت خراج مقرر خود را داشتند، اما میل حاکمان محدود به زمان مشخصی نبود و در اکثر اوقات در فصلی غیر از زمان برداشت محصول از آن‌ها خراج مطالبه می‌کردند؛ بنابراین، کشاورزان برای تأمین خراج خواسته‌شده به سختی می‌افتادند و معیشت‌شان با مشکل مواجه می‌شد و همین باعث شد تا سلطان اویس جلایری برای رفاه حال روستاییان دست به انجام اصلاحاتی در زمینه دریافت مالیات‌ها بزند. با اقدامات مالیاتی سلطان اویس، در دریافت این مالیات‌ها و زمان پرداخت آن‌ها اصلاحاتی صورت گرفت. براساس فرمان سلطان اویس، مقرر شد که کشاورزان ۲۰٪ از محصولات را به‌عنوان خراج پرداخت کنند (همان: ۱۸۴ و ۱۸۵) و نیز مقرر شد که از هر صد رأس شتر، گاو، اسب، گوسفند و درازگوش (الاغ)، یکی را به‌عنوان مالیات قبچور (مواشی) دریافت کنند (همان: ۱۸۸) و قبچور روستاییان و رعایای دهنشین در دو نوبت، یکی در نوروز و دیگری در پاییز گرفته شود (مازندرانی، ۱۹۵۳: ۱۷۷ و ۱۷۸) و به‌این‌ترتیب، با منظم شدن میزان و زمان دریافت خراج و قبچور، تا حدودی از تحمیل فشار بر روستاییان کاسته شد.

۲-۳. اصلاح قوانین مالکیت

پیش از این گفته شد که در دوره چوپانیان، بخش وسیعی از اراضی کشاورزی به‌صورت بایر در آمده بود، به‌طوری‌که «خرابی در مملکت بیشتر از آبادانی» بود (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲ / ۳۱۶). سلطان اویس اراضی دیوانی بایر را تحت قراردادهای خاصی به کسانی سپرد که قادر به احیا و آبادانی آن‌ها بودند. مهم‌ترین امتیازی که به این افراد داده شد، بخشودگی مالیاتی بود که در رغبت و پیوند روستاییان با زراعت و احیای اراضی کشاورزی نقش چشم‌گیری داشت. همچنین برای آبادکنندگان

این اراضی، تسهیلات دیگری در نظر گرفته شد؛ از جمله اینکه این املاک، ملک ابدی ایشان قرار گرفت و حق انتقال و خرید و فروش آن را نیز داشتند (همان: ۳۱۰ و ۳۱۱).

۳-۳. بازگرداندن کشاورزان فراری

پیش از سلطان اویس جلایری، شمار بسیاری از کشاورزان و روستاییان جلای وطن کرده و به اطراف و اکناف متواری شده بودند. با توجه به اینکه مهم‌ترین عامل برای کشاورزی نیروی انسانی بود، برای سلطان اویس در این اوضاع و احوال اسکان مجدد روستاییان در روستاها و بازگرداندن کشاورزان فراری به ولایاتشان برای احیای کشاورزی، امری لازم و ضروری بود؛ از این رو، دستور داد که صاحبان املاک و حکام ولایات باید از کشاورزان دلجویی کرده و آن‌ها را به ولایت خویش بازگردانند و در گسترش زراعت به آن‌ها کمک کنند (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/ ۱۲۳ و ۳۰۲).

۳-۴. منع تعدی کارگزاران و مجازات خاطیان

نحوه تعامل کارگزاران حکومتی با روستاییان عاملی بود که می‌توانست در بهبود یا وخیم‌تر شدن اوضاع آن‌ها بسیار مؤثر باشد. با توجه به درگیری‌های مداوم میان حکومت‌های محلی، کارگزاران به خود اجازه می‌دادند تا هرطور که می‌خواستند از کشاورزان مالیات بگیرند و از این طریق به پر کردن جیب خود پردازند (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/ ۳۰۱). در نتیجه، روستاییان در چنین شرایطی همواره در معرض آسیب و فشار قرار داشتند. سلطان اویس برای مقابله با این قضیه و برای رفع این مشکل تدابیری اندیشید؛ از جمله اینکه با صدور فرامینی کارگزاران حکومتی را از تعدی به روستاییان نهی کرد. او دستورالعملی صادر کرد که مطابق آن، مالیات فقط براساس مقادیر از قبل مشخص شده گرفته شود و خارج از مال و جهاتی که از طرف دیوان بزرگ تعیین شده، از رعایا چیزی نگیرند (همان: ۲۸۵). مال و جهات اصطلاحی بود که از نیمه قرن هشتم به بعد به جای خراج استفاده می‌شد (فراگنر، ۱۳۷۸: ۲۵۱). البته سلطان اویس به این مقدار بسنده نکرد و کارگزاران خاطی را مجازات می‌کرد، چنانکه وقتی کشاورزان ابهر از ظلم و ستم حاکم آنجا به سلطان این‌گونه شکایت کردند که او بیشتر از وجوهاتی که از طرف دیوان معین شده، دریافت می‌کند، سلطان اویس دستور داد تا آنچه را که از هرکس اضافه دریافت کرده بود، به آن‌ها برگرداند و سپس وی را نیز از سمت خود عزل کرد (همان: ۳۲۳). وی همچنین، وقتی که معلوم شد حاکم سلماس مالیات‌های اضافی و بی‌موقع از کشاورزان گرفته است، دستور داد تا همه وجوهات

دریافتی را به رعایا برگرداند تا پس از آن هیچ کارگزاری اجازه چنین کاری را به خود ندهد (همان: ۲۸۴ و ۲۸۵).

۳-۵. اقدامات حمایتی و تشویقی

بخش دیگری از اصلاحات سلطان اویس در زمینه کشاورزی جنبه حمایتی داشت. تخفیف‌های مالیاتی، یکی از راهکارهایی بود که سلطان اویس به‌کار گرفت تا زمینه توسعه کشاورزی را فراهم کند. وی از مجموع مالیات کشاورزان نخجوان که به‌واسطه ورود ملخ مجموع غلات ایشان از بین رفته بود، به مقدار پنجاه‌هزار دینار تخفیف داد و به کارگزاران خود هشدار داد که اگر خلاف دستور او عمل کنند و از کسی چیزی اضافه بگیرند، به شدیدترین شکل ممکن عقوبت خواهند شد (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/ ۲۹۷ و ۲۹۸). همچنین مالیات یک سال کشاورزان نواحی همدان را بخشید؛ زیرا به‌واسطه بروز سیلاب تمامی محصولات ایشان را آب برده بود. پس از رفع سیل نیز به کارگزاران خود دستور داد تا کشاورزان را به روستاهایشان بازگرداند و به انجام امور کشاورزی و ایجاد عمران و آبادانی همدان تشویق کند و دستور داد تا پس از آن نیز مالیات را به‌گونه‌ای از مردم بگیرند که از عهده آن برآیند (همان: ۲۹۹). همچنین وقتی یکی از کارگزاران مالیاتی به سلطان گزارش کرد که از محل مأموریت خود ۲۰ هزار دینار گردآوری کرده، اما محموله مالیاتی مزبور به دست راهزنان به سرقت رفته است و خواستار این است تا سلطان اویس اجازه دهد که همان مقدار را دوباره از رعایا بگیرد، سلطان اویس مخالفت کرده و دستور داد که از کشاورزان فقط یک‌بار مالیات گرفته شود (همان: ۲۵۶). همچنین وقتی کشاورزان نواحی دهخوارقان به دیوان شکایت کردند که به‌دلیل عبور لشکریان، بیشتر محصولات آن‌ها از بین رفته، ۱۰ هزار دینار از مالیات آن‌ها را تخفیف داد (همان: ۲۷۵) و به کشاورزان نواحی قزوین که به‌واسطه استیلاي حرامیان اکثر محصولات آن‌ها از بین رفته بود، به مقدار ۳۰ هزار دینار تخفیف داد (همان: ۲۹۶). همچنین هنگامی که طغیان آب دجله باعث ویرانی بسیاری از خانه‌های اهالی بغداد شد، خراج پنج سال را به آنان بخشید (غیاثی، ۱۹۷۵: ۸۹). سلطان اویس هنگام لشکرکشی نیز رعایت حال کشاورزان را می‌کرد. یک‌بار که می‌خواست به خراسان لشکرکشی کند، چون به دامغان رسید، به او خبر دادند که به‌واسطه لشکر زیاد شما خرابی زیادی به مملکت مسلمانان واقع می‌شود؛ از این رو، دستور بازگشت سپاه را داد (نطنزی، ۱۳۳۶: ۳/ ۱۶۷).

از دیگر اقدامات حمایتی سلطان اویس از روستاییان، ایجاد مقام و منصب‌هایی همچون ریاست ده، حکومت ولایت مزروعی و حکومت به امانت بود که خود قدم بزرگی در راستای حمایت از کشاورزی و روستاییان به‌شمار می‌آمد. رئیس ده وظیفه داشت که هم از کشاورزان در برابر ظلم و ستم گروه‌های مختلف دفاع کند و امنیت و آسایش آن‌ها را فراهم کند تا کشاورز با خیالی راحت به زراعت بپردازد و هم بر تقسیم آب بین اهالی روستا نظارت داشته باشد تا اختلافی میان آن‌ها ایجاد نشود و تمام مزارع سیراب شوند. افزون‌براین، وی وظیفه داشت تا مالیات‌های دولتی و دیگر عوارضی را که حکومت با عناوین مختلف از کشاورزان مطالبه می‌کرد، به نیکوترین شکل از کشاورزان دریافت کند و خراج را به‌طور مساوی میان کشاورزان تقسیم کند تا به کسی ظلم نشود (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/ ۱۷۵). حکومت به امانت وظیفه داشت که کشاورزان فراری را به روستاهایشان بازگرداند و آن‌ها را به کشت و زراعت مشغول گرداند و در گسترش کشاورزی بکوشد و مانع خشک شدن زمین‌های کشاورزی شود (همان: ۱۲ - ۲ - ۱۳۵). حکومت به ولایت مزروعی وظیفه داشت تا از مزارع و محصولات کشاورزی محافظت کند و کشاورزان را از اجحاف محصلان مالیاتی مصون نگاه دارد (همان: ۱۴۰).

۴. تأثیر اصلاحات سلطان اویس بر حیات روستایی مناطق تحت فرمان آل جلایر

براساس اصلاحات سلطان اویس جلایری مبنی بر دریافت خراج ۲۰ درصدی از محصولات کشاورزی و یک‌صدم مالیات قبچوقور (مواشی) و پرداخت آن‌ها در دو نوبت مشخص یعنی در فصل‌های بهار و پاییز توسط روستاییان (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/ ۱۸۴ - ۱۸۸؛ مازندرانی، ۱۹۵۳: ۱۷۷ و ۱۷۸)، شرایط زندگی روستاییان تا حدودی بهبود یافت و پس از آن دیگر خبری از دریافت مالیات‌های اضافی و در مواقع متفاوت سال نبود؛ بنابراین، روستاییان با خیالی آسوده‌تر به فعالیت‌های کشاورزی و دامداری پرداخته و در موعد مقرر نیز مالیات‌های مشخص شده را پرداخت می‌کردند. وی در ادامه اصلاحات خود اراضی دیوانی بایر را براساس قراردادهای مشخصی به روستاییانی که قادر به آبادانی آن‌ها بودند، واگذار کرد و با بخشودگی مالیاتی‌ای که برای این افراد در نظر گرفت و انتقال دائمی زمین‌های کشاورزی با حقوق مالکیت کامل به روستاییان (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/ ۳۱۰ و ۳۱۱)، سبب رونق گرفتن بخش کشاورزی و به‌دنبال آن، بهبود وضعیت روستانشینان شد. وی برای رونق بیشتر بخشیدن به زندگی روستانشینی، حکام ولایات و صاحبان املاک را ملزم کرد تا از روستاییانی که به سبب فشارهای گذشته زمین‌های زراعی و زندگی خود

را رها کرده و به مناطق دیگر رفته بودند، دلجویی کرده و شرایط بازگشت آن‌ها به روستاهای خود را فراهم کنند (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱۲۳/۲ و ۳۰۲) و همین باعث شد تا زندگی روستائینی بیش از پیش در مناطق تحت فرمان آل جلایر رونق بگیرد. وی همچنین برای فراهم کردن رفاه حال روستاییان و ایجاد حس امنیت‌خاطر در آن‌ها، با صدور فرامینی مانع از ظلم و تعدی کارگزاران حکومتی در حق روستاییان شد (همان: ۲۸۵). او کارگزارانی را که از فرامین وی درباره روستائینان تخطی می‌کردند و مالیات اضافه یا بی‌موقع می‌گرفتند، ضمن ملزم کردن آن‌ها به بازگرداندن اضافه‌دریافتی‌ها، آنان را مجازات نیز می‌کرد و زمانی که روستاییان منطقه‌ای نیز بر اثر بلاای طبیعی یا عبور لشکریان دچار خسارت می‌شدند، مالیات‌های مقرر را بر آن‌ها می‌بخشید (برای اطلاعات بیشتر ر. ک به: نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/۲۵۶، ۲۷۵، ۲۸۴، ۲۸۵ و ۲۹۶-۲۹۹؛ غیائی، ۱۹۷۵: ۸۹) تا با این راهکار، آن‌ها را راضی نگه دارد و آنان به فعالیت‌های مرسوم خود در روستا ادامه دهند و اطمینان‌خاطر داشته باشند که مورد توجه سلطانی هستند که به کسی اجازه نمی‌دهد حقوق طبیعی آن‌ها مورد تعدی دیگران واقع شود.

وی افزون‌بر اقدامات یادشده، برای حمایت بیشتر از روستاییان به ایجاد مقام و منصب‌هایی مانند ریاست ده، حکومت ولایت مزروعی و حکومت به امانت اقدام کرد که مجریان دستورالعمل‌های او باشند، مانع از ظلم و تعدی به روستاییان شوند، تقسیم آب برای زمین‌های زراعی را عهده‌دار باشند، مالیات‌های مقرر را به‌صورت عادلانه گردآوری کنند و شرایط را برای بازگشت روستاییان مهاجر به جایگاه خودشان فراهم کنند (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/۱۷۵، ۱۲۲ - ۱۳۵ و ۱۴۰).

در نتیجه این اقدامات، روستاییان مهاجر به روستاهای خود برگشتند و زمین‌های بایر دوباره آباد شدند و امنیت و آسایش به جمعیت روستائین بازگشت. روستائینان آذربایجان و دیگر مناطق تحت فرمان آل جلایر در رفاه به سر برده و روزگار بهتری نسبت به قبل داشتند و حتی بلاای طبیعی نیز تأثیر مخرب زیادی در این زمینه بر جای نمی‌گذاشتند (حافظ ابرو، ۱۳۴۹: ۲۴۲ و ۱۴۳؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۵/۵۷۴). حتی برخی مناطق محصولات کشاورزی خود را به دیگر نقاط صادر می‌کردند، چنانکه از واسط میوه، خرما و دیگر محصولات به شهرهای دیگر صادر می‌شد (ابن‌بطوطه، ۱۳۶۹: ۱/۱۶۲) و در نواحی ابله، حله، سامره، کوفه و بصره، میوه و خرما فراوان به‌دست می‌آمد (همان: ۱۷۰ - ۱۷۶).

نتیجه‌گیری

سلطان اویس جلایری در حالی به حکومت رسید که در دوره فترت پس از حکومت ایلخانان، نزاعات میان مدعیان حکومت، تردد لشکریان، مالیات‌گیری نابه‌هنگام، تعدی کارگزاران حکومتی و وقوع بلایای طبیعی، روستانشینان نواحی شمال‌غربی و غرب ایران را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود و بیشتر آن‌ها در وضعیت نابه‌سامانی به سر می‌بردند و حتی خیلی از آنان املاک کشاورزی خود را رها کرده و به دیگر مناطق مهاجرت کرده بودند. با روی کار آمدن سلطان اویس، به تأسی از اصلاحات غازان‌خان، تلاش برای بهبود وضعیت روستاییان آغاز شد. وی ابتدا به سامان‌دهی امور مالیاتی، متعادل و منظم کردن زمان پرداخت مالیات‌ها اقدام کرد و به رفع اجحاف مالیاتی‌ای که بر روستاییان تحمیل می‌شد، پرداخت. سپس قوانین مالکیت را اصلاح کرد و با بخشودگی مالیاتی و انتقال قطعی زمین‌های بایر کشاورزی به روستاییان آبادکننده این‌گونه زمین‌ها و ممانعت از تعدی کارگزاران حکومتی به روستاییان و مجازات متخلفان و انجام برخی اقدامات حمایتی و تشویقی، به‌ویژه در زمینه بخشودگی مالیاتی در مواقعی که روستاییان دچار دستبرد و زیان می‌شدند، باعث شد که روستاییان مهاجر به روستاهای خود برگشته و زمین‌های بایر دوباره آباد شده و امنیت و آسایش به جمعیت روستانشین مناطق تحت فرمان آل جلایر بازگردد.

منابع

کتاب‌ها

- ابن‌بطوطه، شرف‌الدین عبدالله طنجی (۱۳۶۹)، *سفرنامه ابن‌بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱، تهران: مرکز تحقیقات علوم اسلامی.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۱)، *تاریخ آل جلایر*، تهران: دانشگاه تهران.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی (۱۳۴۹)، *ذیل جامع‌التواریخ رشیدی*، به‌اهتمام خانبابا بیانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۶۲)، *حبیب‌السیر*، به‌اهتمام جلال‌الدین همایی، ج ۳، تهران: کتابفروشی خیام.
- خوافی، فصیح (۱۳۸۶)، *مجمعل فصیحی*، تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، ج ۲، تهران: اساطیر.
- ساوجی، سلمان (۱۳۷۱)، *دیوان سلمان ساوجی*، با مقدمه ابوالقاسم حالت، تهران: ما.

- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین*، به‌اهتمام عبدالحسین نوایی، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شبانکاره‌ای، محمدبن علی (۱۳۶۳)، *مجمع‌الانساب*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- غیائی، عبدالله (۱۹۷۵)، *التاریخ الغیائی، الفصل الخامس، دراسة و تحقیق طارق نافع‌الحمدانی، بغداد: السعد.*
- فراگنر، برت (۱۳۷۸)، *تاریخ ایران: دوره تیموریان*، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، ج ۵، تهران: جامی.
- قطبی اهری، ابوبکر (۱۳۸۸)، *تاریخ شیخ اویس*، به‌کوشش ایرج افشار، تبریز: ستوده.
- مازندرانی، عبدالله‌بن محمد (۱۹۵۳)، *رساله فلکیه*، به‌کوشش والتر هیتس، بی‌جا: بی‌نا.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۷۲)، *ذیل تاریخ‌گزیده*، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- _____ (۱۳۶۲)، *نزهة‌القلوب*، تهران: دنیای کتاب.
- میرخواند، محمدبن خاوندشاه (۱۳۳۹)، *روضه‌الصفاء*، ج ۵، تهران: البرز.
- نبئی، ابوالفضل (۱۳۷۵)، *اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن هشتم*، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- _____ (۱۳۵۲)، *تاریخ آل چوپان*، تهران: دانش.
- نخجوانی، محمدبن هندوشاه (۱۹۷۶)، *دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب*، تصحیح عبدالکریم علیزاده، ج ۲، مسکو: انستیتوی ملل خاورمیانه.
- نطنزی، معین‌الدین (۱۳۶۶)، *منتخب‌التواریخ معینی*، تصحیح ژان اوبن، ج ۳، تهران: خیام.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۷۲)، *جامع‌التواریخ*، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، ج ۲، تهران: البرز.
- _____ (۱۳۶۴)، *مکاتبات رشیدی*، به‌اهتمام محمد شفیع، لاهور: پنجاب.

- ربیعی، منیژه و اکرم ارجح (۱۳۸۵)، «جلایریان»، ذیل مدخل «جلایریان»، *دانشنامه جهان اسلام*، به سرپرستی غلامعلی حداد عادل، ج ۱۰، تهران: بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، صص ۵۳۸ - ۵۵۱.
- رجبزاده، هاشم (۱۳۸۹)، «جلایریان»، *آینه میراث*، شماره ۴۷، صص ۱۰۹ - ۱۳۰.